



خانواده محله شهید اوینی ورزش را از زمین های خاکی آغاز کردند و خود را تا سکوهای قهرمانی رساندند

۵۰۴

ورزش، رسم زندگی ما



عکس: فاطمه جاهدی / شهرآرا

ورزشکاران محله رضائیه در شب های ماه مبارک رمضان در زمین بدون امکانات محله مشغول بازی می شوند

۲ شور ورزش ولی بدون امکانات

نوجوانان و جوانان محله آقامصطفی خمینی در کنار استادان قرآنی گردهم آمدند

۷ شور و نور یک دورهمی

گروه «محفل حضرت رقیه (س) متوسلین به امام زمان (عج)» در محله شهید معقول، برنامه های مسجد را در کنار هم پیش می برد

۶ مسجد در دست جوانان





ورزشکاران محله رضائیه در شب‌های ماه مبارک رمضان در زمین بدون امکانات محله مشغول بازی می‌شوند

شور ورزش ولی بدون امکانات

سید محمد عطائی ام‌ماه مبارک رمضان که از راه می‌رسد، آهنگ زندگی در محلات منطقه ۵ تغییر می‌کند و ورزش‌های گروهی مانند فوتبال و والیبال رونق می‌گیرد که از اصلی‌ترین تفریحات جوانان و نوجوانان محلات به ویژه محله رضائیه در ساعات پس از افطار است. یکی از پاتوق‌های مهم ورزشی محله رضائیه، زمین آسفالت و فضای باز مقابل فرهنگ‌سرای امت است. بخش‌های مختلف این زمین وضعیت یکسانی ندارند؛ بخشی از فضا با رنگ، قطعه‌بندی شده است اما بخش‌های دیگر بدون حد و مرز مشخص رها شده‌اند؛ نه تیرک دروازه وجود دارد و نه پایه‌ای برای نصب تور والیبال. بازیکنان ناچارند با آجر و چند قطعه بلوکه، حدود دروازه را مشخص کنند. وسعت زمین به گونه‌ای است که دست‌کم ۱۰ تیم می‌توانند هم‌زمان از آن استفاده کنند. اما نبود امکانات اولیه، کیفیت ورزش را تحت تأثیر قرار داده است.



ابتدای دهه ۶۰، فضایی خالی میان درختان به اندازه یک زمین فوتبال وجود داشت و مسابقات جام دهه فجر در آن برگزار می‌شد؛ مسابقاتی که به گفته خودش، یازده سال مسئولیت برگزاری آن را برعهده داشته است.

● زمین آماده اما بدون فنس

این پیشکسوت ورزشی با تأکید بر کمبود امکانات می‌گوید: وقتی زمین هست و حتی اطرافش جای نشستن تماشاگران وجود دارد، چرا دورتادور آن فنس کشی نمی‌شود تا کاربری ورزشی‌اش حفظ شود؟ البته به گفته او، نداشتن حصار باعث شده است این فضا در مناسبت‌های مختلف، کاربری‌های متفاوتی پیدا کند. از جمله گلایه‌های اهالی، استفاده از این محوطه برای اسکان مسافران و زائران در ایام تعطیلات نوروز است؛ زمانی که خود اهالی فرصت بیشتری برای ورزش دارند. اما زمین عملاً از دسترس آن‌ها خارج می‌شود.

● جمع شدن تجهیزات برای همیشه

عرفان غضنفری، بیست‌وسه ساله، از ده سالگی در این محوطه فوتبال بازی کرده است. او می‌گوید: زمانی که دانش آموز بودم، از ساعت ۴ بعد از ظهر تا ۹ شب در این فضا فوتبال و والیبال بازی می‌کردم. از نظر من، ریشه مشکل اینجاست که چند سال پیش ابتدا بخش بزرگی از محوطه به پارکینگ فرهنگ‌سرا اختصاص یافت و پس از آن نیز ماجرای فرود هلیکوپتر پیش آمد که به جمع‌آوری تجهیزات انجامید. امیرعلی مرادی، دیگر جوان بیست‌وسه ساله محله، صحبت‌های دوستش را تأیید می‌کند و می‌گوید تغییرات مداوم فضای زمین، خاطرات ورزشی چند سال اخیر آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. زمین فوتبال ساحلی نیز با اشغال فضای قابل توجه و در بسته، عملاً به ورزشکاران کمکی نکرده است.

در کنار همه این مسائل، کمبود نور کافی در شب‌ها، به ویژه در زمین‌های فوتبال و والیبال، انتهای محوطه پارکینگ فرهنگ‌سرای امت، یکی دیگر از مشکلات مطرح شده از سوی اهالی است.

او ادامه می‌دهد: در آن سال‌ها حتی روشنایی مناسبی هم وجود نداشت و اهالی با کابل و لامپ سیار، فضا را برای بازی روشن می‌کردند. با این حال، شور و ورزش باعث می‌شد نوجوانان و جوانان ساعت‌ها در این محوطه بمانند. همین فضا، زمینه‌ساز پرورش بسیاری از استعداد های ورزشی محله شد.

به گفته اهالی، حدود ۱۰ سال پیش و با هزینه خود مردم، تیرک دروازه فوتبال و میله‌های والیبال تهیه و به صورت دائمی در زمین نصب شد. این تجهیزات سال‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت تا اینکه سه سال قبل، برای برگزاری یک مانور امدادی و فرود هلیکوپتر گروه دوام ثامن، تمام تیرک‌ها و میله‌ها توسط شهرداری منطقه از زمین خارج شد. حسین آقا می‌گوید: هلیکوپتر چند دقیقه بیشتر اینجا نبود، اما بعد از رفتنش، هر چه پیگیری کردیم، تجهیزات را برنگرداندند.

● مانوری چند دقیقه‌ای و آسیبی ماندگار

او با گلایه می‌افزاید: تغییر کاربری یک محیط ورزشی فعال برای چند دقیقه نمایش، تصمیم درستی نبود. فعالان محلی تلاش می‌کنند نوجوان‌ها و جوان‌ها به سمت ورزش بروند و از آسیب‌های اجتماعی دور بمانند. پیش از این اتفاق، اینجایی از پاتوق‌های اصلی جوانان بود. هنوز هم هست، اما نه با همان رونق. برای یک ورزشکار، شوت زدن به دروازه واقعی، لذتی دیگر دارد؛ دروازه‌ای که باد و آجر قابل مقایسه نیست.

● زمین فوتبال ساحلی، بدون استفاده!

حدود دو سال پیش، یک زمین فوتبال ساحلی کنج این محوطه ساخته شد؛ زمینی که در نگاه اول، نوید توجه به ورزش محله‌ای را می‌داد. با این حال اهالی می‌گویند این زمین اغلب بسته است و امکان استفاده عمومی از آن وجود ندارد. همچنین برخی ورزشکاران نسبت به استاندارد بودن آن نیز تردید دارند و معتقدند نزدیکی فنس به زمین، احتمال آسیب دیدگی را افزایش می‌دهد. پیشنهاد اهالی، تغییر کاربری این زمین از فوتبال ساحلی به والیبال ساحلی است.

به گفته حسین آقا، باتوجه به استقبال زیاد از رشته والیبال، امکان راه‌اندازی دست‌کم دو زمین والیبال ساحلی در همین محدوده وجود دارد. او تأکید می‌کند: این تغییر می‌تواند بخشی از کمبود فضای استاندارد برای والیبال را جبران کند.

در ادامه گزارش، علی اصغر زار زاده، پیشکسوت ورزشی و فرهنگی محله، به محل می‌آید و با اشاره به پیشینه ورزشی رضائیه می‌گوید: این محله سابقه قهرمان‌پروری دارد و خداداد عزیز از همین زمین‌ها فوتبالش را آغاز کرد و به سطح ملی رسید.

زار زاده توضیح می‌دهد که پیش از آسفالت شدن فضا، این محدوده، بخشی از بوستان جنگلی وحدت بوده است. او یادآوری می‌کند که در



● تجهیز زمین برای استفاده اهالی در ماه مبارک

معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۵، در پاسخ به این صحبت‌ها، اعلام می‌کند که در سه ماهه اخیر که دوره معاونت او بوده، درخواستی از سوی شهروندان محله رضائیه درباره این زمین به آن‌ها ارائه نشده است. مجتبی برزنی می‌گوید: از نظر مدیریت شهری، منعی برای تجهیز این مکان ورزشی وجود ندارد. در صورت معرفی نماینده‌ای از سوی ورزشکاران و اهالی محله، شهرداری آمادگی دارد به صورت امانی، تیرک دروازه فوتبال و میله تور والیبال را حداقل برای ماه مبارک در اختیار آن‌ها قرار دهد.

برزنی با اشاره به استقبال خوب جوانان از ورزش‌های گروهی در ماه مبارک رمضان، توضیح می‌دهد: زمین فوتبال ساحلی این محدوده نیز در ایام ماه رمضان به صورت کاملاً رایگان در اختیار نماینده اهالی قرار خواهد گرفت تا باتوجه به تعداد تیم‌ها و ورزشکاران، برنامه ریزی و تقسیم بندی لازم انجام شود. او همچنین تأکید می‌کند موضوع روشنایی این محدوده، با درخواست رسمی اهالی بررسی خواهد شد و در صورت نیاز، اقدامات لازم برای تأمین نور کافی انجام می‌شود.

همسایه به همسایه، دیدار سی و یکم، کوچه اروند ۶۸

هوادار نسل آینده محله

نیکو عقیده همسایه های کوچه اروند ۶۸، بیش از نیم قرن است کنار هم زندگی می کنند. خاطرات مشترک زیادی دارند و سال های طولانی با هم همدل و همراه بوده اند. آن ها حالا فقط همسایه و هم محله ای نیستند، هر روز احوال هم را می پرسند و مثل یک خانواده از جزئیات زندگی یکدیگر باخبرند. یکی از مکان هایی که محل دیدار این همسایه ها شده، مسجد امام حسن مجتبی (ع) محله کهنه بیست در این کوچه است؛ جایی که فقط محل عبادت نیست و تبدیل به مکانی برای فعالیت های فرهنگی و اجتماعی اهالی محله اروند هم شده است.

○ همدلی در شب های ماه رمضان

محمد سپه دوست یکی از ساکنان قدیمی کوچه اروند ۶۸ است. اهالی می گویند او از همان روزهایی که محله شکل نگرفته بود و اینجا پر از زمین زراعی بود، پای کار فعالیت های اجتماعی بوده است.

خودش توضیح می دهد که ۳۷ سال پیش به این کوچه پا گذاشته و از همان سال اول سعی کرده اهالی را دور هم جمع کند؛ «ابتدا در خانه ها جلسات قرآن و برنامه های معرفتی برگزار می کردیم. بعد از آن با ساخت مسجد امام حسن مجتبی (ع) همه برنامه ها و مراسم را به این مسجد منتقل کردیم.» به گفته او مسجد آن ها در ماه رمضان ها فعال تر هم می شود؛ «هنوز آن همبستگی و همدلی سابق را حفظ کرده ایم. هر شب با کمک اهالی، بساط پخت سوپ را برپا می کنیم و بعد از نماز، افطاری مختصری مثل نان و پنیر و سوپ توزیع می کنیم.»

یکی از نزدیک ترین دوستان محمد سپه دوست، خداداد بهادری است؛ همسایه دیوار به دیوار او که از قدیم یکی از فعالان مسجد محله است.

○ پیگیری برای آبادانی محله

خداداد بهادری، از مسن ترین افراد این کوچه است و حالا بیشتر از هشتاد سال دارد. از همان سال های جوانی به کوچه اروند ۶۸ آمده است. می گوید: حالا مثل آقا محمد قوت و انژی ندارم که داخل مسجد نقش پررنگی داشته باشم. اما با این همه، همیشه تلاش کرده ام از بیرون یاری رسان مسجد و همسایه ها باشم.

اهالی تعریف می کنند که او یکی از ریش سفیدان کوچه محسوب می شود و قبلا در ساخت مسجد نقش داشته و برای برگزاری برنامه ها کمک مالی هم می کرده است.

آقا خداداد تعریف می کند که قبلا که اینجا آب و برق و گاز نداشته، چطور با دیگر همسایه ها پیگیرانه به اداره های مختلف می رفته تا حق و حقوق همسایه هایش حفظ و این محله آباد شود. او از یکی دیگر از اهالی یاد می کند؛ حسن دانش پور.

به گفته او، حسن آقا به فعالیت های فرهنگی و ارتباط خوب با بچه ها معروف است؛ همسایه ای که حضورش برای کوچک ترها، قوت قلب است؛ او با اینکه ویلچر نشین است، برای خودش محدودیتی قائل نمی شود و در همه برنامه ها مشارکت دارد.

○ ثمرات بازنشستگی

حسن دانش پور، عضو هیئت امنای مسجد و از قدیمی ترین ساکنان این کوچه است که از همان ابتدای سکونتش در فعالیت های مختلف شرکت کرده است. خودش می گوید: تا سال ها در شرکت اتوبوس رانی مشغول به کار بودم و بعد از بازنشستگی، فرصت بیشتری برای مشارکت در برنامه ها پیدا کردم و فعالیتیم پررنگ تر شد.

دانش پور بیشتر در امور مربوط به کودکان و نوجوانان فعالیت دارد و در این باره می گوید: نسل آینده محله را نباید به حال خودرها کنیم. باید روی آن ها سرمایه گذاری کنیم تا در آینده، محله بهتری داشته باشیم.

از فعالیت هایش در این باره که می پرسیم، توضیح می دهد که او اهالی را دور هم جمع کرده و ایده خرید وسایل ورزشی و تفریحی را داده است. حالا در طبقه بالای مسجد وسایلی مثل دارت، فوتبال دستی و... قرار داده اند تا بچه ها بعد از نماز در مسجد مشغول بازی شوند و به این بهانه پای آن ها به مسجد هم باز شود.

او می گوید: کودکان این محدوده امکانات زیادی برای تفریح ندارند و ما اهالی باید دست به کار شویم و برای بچه ها سرگرمی های سالم تدارک ببینیم.



در نشست تخصصی آموزشی شورای اجتماعی محلات منطقه ۶ مطرح شد

شناسایی نیاز محلات، گام اول تصمیم گیری



معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۶، با اشاره به اهداف تشکیل شورای اجتماعی محلات، دخیل کردن مردم در فرایند مدیریت شهری را از مهم ترین رسالت های این شورا عنوان کرد. او با بیان اینکه شورای اجتماعی محلات، حلقه میانی میان مسئولان و شهروندان است، گفت: برای تقویت مشارکت مردمی، اجرای پروژه های زودبازده در محلات تعریف شده است تا اعتبارات شهری دقیقاً در مسیر خواسته ها و نیازهای مردم هزینه شود.

پاکدامن با تأکید بر ضرورت اجرای اقدامات تکمیلی در این مسیر، برگزاری کارگاه ها و دوره های آموزشی مسئله یابی را ضروری دانست و افزود: پیش از طرح موضوعات در جلسات شورا، باید نیازها و مسائل اصلی محلات به صورت دقیق شناسایی و تحلیل شود تا تصمیم گیری ها با دقت بیشتر و راهکارهای مؤثرتری همراه باشد. در حاشیه این نشست، دوره آموزشی «مسئله یابی» با هدف ارتقای توانمندی اعضای شوراهای اجتماعی محلات برگزار شد و در پایان، از سرهنگ ا... یاری به پاس همکاری مؤثر در حوزه های اجتماعی و تأمین امنیت محلات منطقه ۶ با اهدای لوح تقدیر قدردانی شد.

نیکو عقیده شهردار منطقه ۶ در نشست تخصصی آموزشی شورای اجتماعی محلات این منطقه، وجود این تشکل مردمی را یکی از بسترهای مهم ارتباطی میان مردم و مدیریت شهری دانست و بر ضرورت توانمندسازی اعضای این شوراها برای پاسخگویی مؤثر به مطالبات محلی تأکید کرد.

امیر رضانی در این نشست که هفته گذشته در فرهنگ سرای غدیر برگزار شد، بر نقش آفرینی مؤثر شوراهای اجتماعی در ارتقای سرمایه اجتماعی و افزایش مشارکت شهروندان تأکید کرد و گفت: شوراهای اجتماعی، حلقه ارتباطی میان مردم و مدیریت شهری هستند که می توانند با تقویت تعاملات محله محور، زمینه هم افزایی بیشتر میان شهروندان و مدیران شهری را فراهم کنند.

امیر رضانی همچنین بر اهمیت نگاه مسئله محور در مدیریت محلات تأکید کرد و بهره گیری از ظرفیت های نوآورانه و ایده های خلاقانه را از الزامات ارتقای کیفیت زندگی شهروندان در سطح محلات برشمرد.

در ادامه این نشست، حجت الاسلام والمسلمین محسن پاکدامن،

خانواده محله شهید آوینی ورزش را از زمین های خاکی آغاز کردند و خود را تا سکوهای قهرمانی رساندند

ورزش، رسم زندگی ما

داستان جلد

مریم دهقان همه چیز از اراده یک پدر ورزشکار شروع شد: از زمین های خاکی محله، توپ های چهل تکه و صبح های جمعه ای که خواب را از چشم بچه های گرفت. علی عظیمی، ورزش را فقط تمرین و مسابقه نمی دید؛ برای او ورزش راهی بود برای ساختن زندگی، رفاقت و آینده.

همان روزهایی که بچه های پایین شهر تفریحشان گل کوچک و فوتبال بود، او دست پسرانش را گرفت و پای تمرین هاربت تا این مسیر، آرام آرام به رسم خانواده شان تبدیل شود.

سال ها بعد، همان بچه ها هر کدام در مسیری ورزشی، با مدال ها، مقام ها و تجربه های متفاوت، ادامه دهنده راه پدری شدند که باور داشت ورزش فقط جسم رانمی سازد، بلکه آدم ها را برای زندگی آماده می کند. این روایتی است از یک خانواده که افتخار، تلاش و همدلی را از زمین های خاکی تا سکوهای قهرمانی با خود برده اند.

آغاز مربی گری در محله

علی عظیمی کوهی متولد ۱۳۴۴، پدر خانواده، از سال ۱۳۶۰ پایش به ورزش فوتبال و زمین های خاکی قدس در محدوده طلاب باز شد. در رده سنی جوانان تیم شهید محدث بازی هایش را شروع کرد و این روزها دیگر در رده سنی پیشکسوتان پایه توپ است. علی آقا از شروع ورزش می گوید: «من بزرگ شده محله طلاب هستم، از سال ۷۹ به محله شهید آوینی آمدم و همین جا زندگی کردم. بچه های پایین شهر تفریحشان ورزش به ویژه گل کوچک و فوتبال بود. سال ۶۰ که حدود شانزده سال داشتم، در تیم شهید محدث در رده سنی جوانان بازی می کردم. کمی بعد در سال ۶۴ همزمان با فوتبال بازی کردن تیم نو جوانان شهید محدث را تشکیل دادم و مربی شان شدم.»

چهل سال زندگی با ورزش

پدر خانواده عظیمی چند سال بعد همان تیم نو جوانان را به رده سنی جوانان رساند که بعد ها جایگزین تیم بزرگ سالان شهید محدث شدند. خودش تعریف می کند: سال ۷۰ تیم اولیه بزرگ سالان جمع شد و من همان تیم جوانان را جایگزین آن کردم و فعالیتمان ادامه پیدا کرد. از آن سال به بعد در مسابقات مختلفی شرکت کردم و از سال ۹۴ به بعد هم در دسته یک باشگاه های مشهد حضور دارم و هنوز این جایگاه را دارم.

حالا چهل سال است که او در ورزش فوتسال و فوتبال فعالیت می کند و از همان جوانی سعی کرده است این رسم را به فرزندانش هم بیاموزد؛ چون به گفته علی آقا، هیچ کس با ورزش ضرر نمی کند و همه آن سود است؛ تنها مدیریت زمان نیاز است تا شخص بین کار و ورزش و زندگی تعادل ایجاد کند. «خودش هم این روش را ادامه داده است؛ من بازنشسته تأمین اجتماعی هستم و شغل کارگری بود. هفته ای دو روز تمرین داشتیم و آخر هفته ها معمولاً مسابقه می دادیم. سعی می کردم هم زندگی کنم و هم ورزش. پسرهایم را وقتی ده دوازده ساله بودند، با خودم به تمرین می بردم تا با ورزش آشنا شوند تا اینکه کم کم علاقه مند شدند. خدا را شکر بچه ها هم ورزش را رها نکردند و حالا دارند از سلامتی اش سود می برند.»



انتخاب ورزش انفرادی

حسین عظیمی کوهی، متولد ۶۶ و پسر بزرگ خانواده است و دو فرزند شش و یک ساله دارد. او چهارده سال است به عنوان موز روزنامه شهر آرا مشغول به کار است و توانسته در مسابقات مختلف شهرداری، باشگاهی و محلات، مقام کسب کند. آغاز زندگی ورزشکاری او هم به دوران جوانی اش برمی گردد؛ بابا به زور ما صبح های جمعه از خواب بیدار می کرد تا همراهش شویم. بچه ترکه بودم، خودم را به خواب می زدم تا همراهش نرم، ولی به سن راهنمایی و هنرستان که رسیدم، آن قدر به ورزش علاقه مند شده بودم که یک تیم فقط از هم کلاسی هایم تشکیل داده بودیم. تا مدرسه تعطیل می شد، سوار اتوبوس می شدیم و خود را به زمین خاکی قدس می رساندیم. همین که با

بچه ها بودم، خیلی بهم خوش می گذشت. همین خوش گذشتن و همراهی دوستانه باعث شده بود حسین هم کم کم به ورزش علاقه مند شود و آن را پای ثابت زندگی اش کند و در مسابقات مختلف فوتبالی مقام بیاورد. البته حسین اگر چه در همه رده های سنی نو جوانان، جوانان و بزرگ سالان تیم فوتبال شهید محدث پایه توپ بوده است و هنوز هم در مسابقات شرکت می کند اما به اندازه پدرش به فوتبال علاقه مند نیست؛ «فوتبال برایم مثل زنگ تفریح است. وقتی بزرگ تر شدم، متوجه شدم در ورزش های انفرادی، استعداد بیشتری دارم. در تیم باید حرص می خوردم که این توپ گل می شود یا نه، به من پاس بدهند یا ندهند ولی در جودو و یاکشتی، خودم هستم و خودم.»

نقطه طلایی دوران ورزشی

حسین با شروع خدمت سربازی، جودو را شروع کرد و دو سال بعد از سربازی هم آن را ادامه داد. طی چهار سال توانست شش کمر بند این رشته ورزشی را به دست بیاورد که حادثه ای برایش اتفاق افتاد و مسیر ورزشی اش تغییر کرد؛ «در جودو مهم ترین ویژگی کشش عضلانی است. آن موقع کارم جوشکاری بود و دو تا از انگشت هایم آسیب دید. نمی توانستم مثل قبل از انگشت هایم استفاده کنم؛ به همین دلیل جودو را کنار گذاشتم و به اصرار یکی از دوستانم رفتم باشگاه بدن سازی پولاد تنان در بازار شلوغ و پاییم آنجا بند شد و جودو را کنار گذاشتم.» حسین پانزده سال در همان باشگاه مشغول تمرین بود تا اینکه آنجا جمع شد و تمریناتش را در باشگاه های نزدیک محله ادامه داد. او علاوه بر تمرین های شخصی، مدرک مربیگری اش را هم گرفت و حالا کنار شغل اصلی اش، در چند باشگاه هم مربی است. حسین یکی از نقاط طلایی

انتخاب همسر، مهم ترین گل زندگی

حسین آقا معتقد است در همه سال های زندگی اش، مهم ترین گل که زده، انتخاب همسرش بوده که همیشه همراه او بوده و سختی های زندگی مشترکشان را پذیرفته است. او می گوید: اول همسرم رادوست دارم، دوم وسوم هم همسرم رادوست دارم، بعد بچه ها. خانواده به ورزش کمک کرده اند. از زمانی که متأهل شدم، بهتر توانستم ورزش کنم و اگر حمایت های همسرم نبود، نمی توانستم برای قهرمانی و پیشرفت ورزشی ام تمرکز کنم. زهره زارع، مادر دو فرزند کوچک است و در ده حرف های حسین آقا گوش می دهد. قصه حسین و ورزشکار راکه می شنویم، می پرسیم «در چنین خانواده ای شما چه می کنید؟!» دختر یک ساله اش را که تازه خوابیده است، در آغوش دارد. پسر شش ساله اش هم هنوز در عالم خواب و بیداری است و پشت مادرش پنهان شده است تا مثلاً ما او را نبینیم. نگاهی به آن ها

می اندازد و با خنده جواب می دهد: از ورزشکارهای آینده خانواده مراقبت می کنم. البته زهره پیش از تولد حلما و بارداری اش، به سالن بدن سازی می رفت و تا جای ممکن ورزش می کرد. اما دو سالگی می شود که نتوانسته به طور ثابت ورزش کند. او معتقد است زندگی با یک ورزشکار، آسان نیست و بخش زیادی از بار زندگی روی دوش اوست؛ به ویژه زمان هایی که مسابقه ای در پیش است؛ «حسین وقتی تمرین یا مسابقه ای دارد، همه چیز کنسل است. استرس مسابقه را دارد و بیشتر وقت ها خانه نیست. اگر هم باشد باید استراحت کند. تقریباً بار زندگی و رسیدگی به بچه ها روی دوش خودم می افتد. از طرفی باید به فکر آرامش همسرم در خانه و تغذیه اش هم باشم و وعده های مخصوصی برایش تهیه کنم.»



آتش نشان شدن آقای ورزشکار

محمود عظیمی کوهی، متولد ۶۸، سردوم خانواده عظیمی است. او هم مانند برادرش، حسین، از سنین کودکی همراه پدر بود و در زمین خاکی قدس بازی می کرد. برای محمود، ورزش در دنیای کودکی اش ساده بود تا اینکه به دوره نوجوانی رسید و عضو تیم فوتبال نوجوانان شهید محدث شد. آقامحمود هم ابتدا تمایلی به فوتبال نداشت و مانند برادر به ورزش های انفرادی بیشتر علاقه مند بود؛ «بیشتر بوکس را دوست داشتم ولی به خاطر علاقه پدرم به فوتبال، اجازه نداشتیم در رشته دیگری ثبت نام کنیم. مادرم هم می گفت بوکس خطرناک است و سرو دستت می شکند.»

سال های نوجوانی محمود طی شد و او برای سر بازی امریه آتش نشانی می شود و بعد از آن هم به استخدام این سازمان درمی آید. حالا پانزده سال از اولین ورودش

به این سازمان می گذرد. او اگرچه ابتدا از طریق خانواده به ورزش علاقه مند شد، پس از انتخاب شغل آتش نشانی، به اهمیت آن بیشتر پی برد. در این باره می گوید: در وهله اول علاقه خانوادگی باعث شد سراغ ورزش بروم اما بعد که جلوتر رفتم، شرایط کاری ام در آتش نشانی هم انگیزه ای شد که ورزش را جدی تر بگیرم. شغل ما نیروی بدنی فوق العاده ای می خواهد. بعضی مأموریت ها به قدری فرسایشی است که توان و انرژی آدم را می گیرد. ورزش باعث می شود هم در مأموریت ها آمادگی بیشتری داشته باشم و هم به لحاظ روحی، کمتر آسیب بینم.

قهرمانی مشترک باشهید فخریان

محمود از سال ۹۸ در ایستگاه شماره ۱۸ آتش نشانی مشهد خدمت می کند. همین چندماه پیش، او و دوستانش یکی از همکاران خوب و جوان خود را از دست دادند

و یک شهر، از رفتنش غمگین شد؛ شهید رضا فخریان. آقامحمود درباره شغلش می گوید: کار ما جوری است که رفتنمان با خودمان است و برگشتنمان با خداست. او با شهید فخریان به دلیل رقابت های ورزشی، رفاقت هم داشت و یکی از خاطراتش با او را بر ایمان تعریف می کند: «آقا رضا قبل از شهادتش با من هم شیفت بود. من و او در مسابقات ورزشی که سازمان برگزار می کرد، شرکت می کردیم. یکی از آن ها چالش پرس سینه به صورت تیمی بود که همه ایستگاه ها می توانستند شرکت کنند. من و آقا رضا هم یک گروه شدیم و در این مسابقه شرکت کردیم. اتفاقاً برنده هم شدیم.»

رضا سرش را پایین می اندازد. یاد و خاطره دوست و همکارش لابد برایش سخت است. می گوید: حیف شد، خیلی پسر خوبی بود. خیلی مظلوم و کم حرف بود. در ایستگاه همیشه به یاد رضا هستیم.



حمایت های برادرانه از خواهر

اگر ریاضی را هم ادامه می دادم، موفق می شدم اما از اینکه تربیت بدنی را انتخاب کرده ام، راضی ام و خوشحالم که حرف برادرم را گوش کردم.

مریم در همان سال نخست هنرستان در مسابقات شنا شرکت کرد و مقام آورد. حسین و محمود هر کمکی از دستشان برمی آمد، برای ته تغاری خانواده انجام می دادند: «هزینه های ورزشی ام را برادرانم می دادند. اگر چیزی لازم داشتم یا جایی می خواستم بروم، آن ها بودند. تا پایان دوران تحصیل، مادرم چندان دل خوشی از انتخابم نداشت و نگران آینده ام بود ولی با حمایت های برادرانم مخالفت های مادرم چندان به چشم نمی آمد.»

دختر کوچک خانواده هم زمان با ورود به دانشگاه به دنبال مدرک مربیگری بدن سازی رفت و کم کم به عنوان کمک مربی وار شد چند باشگاه، فعالیت حرفه ای خود را آغاز کرد تا اینکه سال ۹۹، باشگاه خودش را راه اندازی و به صورت رسمی، مربیگری را شروع کرد. با این توصیفات دیگر نگرانی های مادر هم ناپدید شده است: «مامان الان که می بیند توانسته ام بارشته تربیت بدنی، کار کنم و به درآمد برسم، خوشحال است. او بیشتر نگران آینده شغلی من بود که آن هم با کمک برادرانم حل شده است.»

مریم عظیمی کوهی، دختر کوچک و آخرین فرزند خانواده است و جزو نسل «Z» محسوب می شود. او ورود به عرصه ورزش و پیشرفت ورزشی اش را مدیون برادرانش است و دائم در میان صحبت هایش از حمایت های آن ها تعریف می کند: «به دوره انتخاب رشته تحصیلی ام رسیده بودم. به خاطر اینکه درس هایم خوب بود و در المپیاد هم مقام آورده بودم، مادرم و همه معلم هایم می گفتند یاریابی یا تجربی را ادامه بدهم.

مریم در همان روزهای گرم تابستان همراه محمود، کارهای ثبت نامش را در رشته ریاضی انجام داد. چند روزی از این ماجرا گذشت که سؤال حسین، سرنویشت تحصیلی و کاری او را عوض کرد: «توی خانه نشسته بودیم که حسین از من پرسید مگر دوست نداشتی به تربیت بدنی بروی؟»

اولویت دوم مریم، تربیت بدنی بود و در جواب برادرش با کمی تردید و شاید نگران از ناراحتی مادر، سرش را به نشانه تأیید تکان داد. همین تأیید باعث شد حسین و محمود، هر دو کمکش کنند تا در هنرستان ثبت نام کند و رشته تربیت بدنی را تا کارشناسی ادامه بدهد. او لیکندی از این انتخاب می زند و می گوید: من

مقام های ورزشی برادران عظیمی

- عضو تیم فوتبال شهید محدث و بازی در همه رده های سنی ۱۴۰۲-۱۳۸۴
- قهرمانی مسابقات فوتسال بین تیم های آتش نشانی (بخش خصوصی) ۱۳۹۷
- مقام اول مسابقات پرس سینه کارکنان شهرداری و آتش نشانی ۱۴۰۳ و نایب قهرمانی این مسابقات ۱۴۰۴
- کسب ۲ مدال نقره مسابقات قوی ترین مردان استان خراسان رضوی در وزن ۱۱۰ کیلو ۱۴۰۴

حسین عظیمی کوهی

- بازیکن تیم فوتبال شهید محدث در همه رده های سنی ۱۴۰۲-۱۳۸۴
- نایب قهرمانی پرس سینه کارکنان شهرداری مشهد ۱۴۰۳ و قهرمانی این مسابقات ۱۴۰۴
- کسب مقام چهارم مسابقات قوی ترین مردان کارکنان شهرداری مشهد ۱۴۰۴
- دوم مدال طلا در مسابقات قهرمانی قوی ترین مردان خراسان رضوی ۱۴۰۴
- مقام سوم مسابقات کارکنان شهرداری مشهد ۱۴۰۴

گروه «محل حضرت رقیه (س) متوسلین به امام زمان (عج)» در محله شهید معقول، برنامه‌های مسجد را در کنار هم پیش می‌برد

مسجد در دست جوانان



راه تجربه

بازی و دوستی در مسجد

به سختی می‌توانیم زمانی مشخص را برای مصاحبه هماهنگ کنیم. بچه‌ها صبح تا بعد از ظهر یا در مدرسه هستند یا سر کار، و شب‌ها هم آن قدر درگیر کارهای گروه می‌شوند که فرصتی برایشان نمی‌ماند. بالاخره علی غلامی، چهره آرام و مصمم گروه، می‌تواند زمانی را هماهنگ کند؛ کسی که به نظر می‌رسد مسئول و سرپرست این گروه باشد. اصلاً خود او بوده که چند سال پیش، همه را دور هم جمع کرده و هسته این محفل را ساخته است.



قصه این جمع صمیمی برمی‌گردد به هفت سال پیش؛ به همان روزهایی که رفاقتشان در مسجد ریشه دواند. علی وقتی از آن دوران حرف می‌زند، لبخند روی لبش می‌نشیند: «طبقه بالای مسجد دارت و فوتبال دستی داشتیم. ما بچه‌ها عاشق بازی بودیم. بعد نماز، همین‌که سلام آخرامی دادیم، می‌دویدیم بالا. همین رفت و آمد ما، همین جمع شدن‌های ساده بعد نماز، کم‌کم بینمان دوستی ساخت.»

شروع کار با ایستگاه صلواتی

این دوستی از چند بازی ساده شروع شد، رفته رفته جان گرفت، پررنگ شد و حالات تبدیل شده است به محفل پر جنب و جوشی که بخش زیادی از فعالیت‌های مسجد را روی دوش خودش گرفته است. امیرعلی میرزایی، یکی دیگر از چهره‌های پرانرژی گروه، از روزهای ابتدایی تشکیل گروه حرف می‌زند. وقتی که سن و سال کمتری داشتند و فعالیت‌های گروه توسط پدرهای آن‌ها انجام می‌شد؛ «اول اولش پدرهای ما اینجا گروه فعال داشتند. بیشتر کارهای مسجد دست آن‌ها بود. ما فقط از دور نگاه می‌کردیم. کم‌کم ما خودمان وارد میدان شدیم و الان دیگر پدرها خیلی کمتر فعالیت‌ها را دست می‌گیرند.» امیرعلی لبخند می‌زند و از روزهایی می‌گوید که فعالیت‌هایشان خیلی ساده‌تر بود؛ نه خبری از داربست بود، نه خیمه‌های بزرگ و برنامه‌ریزی‌های پیچیده‌ای که حالا دارند؛ «فعالیت‌مان را با

سحر نیکو عقیده در فضای مسجد دور هم حلقه زده‌اند و گرم صحبت هستند. با هیجان از فعالیت‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی‌شان می‌گویند و آن‌ها را ثمره همدلی و همراهی اعضای گروه طی این سال‌ها می‌دانند. جوانان گروه «محل حضرت رقیه (س) متوسلین به امام زمان (عج)» در مسجد پنج تن آل عبا^(ع) محله شهید معقول از سال‌های کودکی، یکدیگر را می‌شناسند. ابتدا برای بازی دارت، فوتبال دستی و... به مسجد می‌آمدند اما کم‌کم پاگیر شدند، رفاقت‌ها را پررنگ‌تر کردند و گروه‌شان را شکل دادند. حالا کل محله این گروه‌رامی‌شناسند و آن‌ها بیشتر فعالیت‌های مسجد را دست گرفته‌اند.

همراهی خوب اهالی

برای تأمین هزینه این فعالیت‌ها هر کدام هر قدر که دارند از جیب می‌گذارند تا برنامه‌هایشان عملی شود. حالا تک‌تکشان سرکاری می‌روند و با وجود وقت محدودی که دارند، گروه را رها نمی‌کنند. علاوه بر هزینه کردن از جیب و زمان هر کدام هم مهارتی دارند که سعی می‌کنند آن را در راستای پیشبرد کارها به کار ببندند؛ مثلاً امیرعلی که در کار تأسیسات است، خیلی وقت‌ها کارهای لوله‌کشی مسجد را انجام می‌دهد. معین رضا قرایی، دیگر عضو گروه که به گفته بچه‌ها در زمینه فضای مجازی مهارت دارد، کانال مجازی گروه را مدیریت می‌کند و عکس و فیلم‌های فعالیت‌ها را به اشتراک می‌گذارد. علی جعفری را آچار فرانسه گروه می‌دانند. هرکاری از دستش برمی‌آید و از هیچ فعالیتی دریغ نمی‌کند. از چای ریختن در مسجد برای مراسم تا روضه خوانی! البته توضیح می‌دهند که حالا اهالی هم با آن‌ها همراه شده‌اند. معراج سرحدی می‌گوید: «قبل‌ترها بزرگ‌ترها ما را جدی نمی‌گرفتند و حتی مسن‌ترها گاهی سنگ اندازی هم می‌کردند و می‌گفتند مسجد فقط جای عبادت است نه این کارها! حالا اما همه به ما اعتماد کرده‌اند. خیلی وقت‌ها اهالی برای هزینه مراسم بانی می‌شوند و کمک می‌کنند.»

می‌گویند مگر وقتت را از سر راه آورده‌ای؟

با وجود همه این واکنش‌های مثبت و دلگرم‌کننده، آن‌ها از برخورد‌های نامناسب هم می‌گویند. اینکه خیلی‌ها این فعالیت‌ها را بی‌معنی می‌دانند، علی غلامی تعریف می‌کند. حالا در کمتر محله‌ای می‌توانی گروه جوانی را پیدا کنی که تا این حد به فعالیت‌های مسجدی پایبند باشند. خیلی وقت‌ها رفیق‌هاییم به من می‌گویند مگر پول و وقتت را از سر راه آورده‌ای که حاضری بدون چشمداشت تا این حد برای محله و مسجد وقت بگذاری؟ اما من هدفم چیز دیگری است. دلم می‌خواهد این محله پیشرفت کند. بچه‌ها از اهداف و انگیزه‌های دیگری هم حرف می‌زنند. معراج سرحدی که از دیگر اعضا کم سن و سال‌تر و کم حرف‌تر به نظر می‌رسد، می‌گوید: «ما ده نفر حالا فقط یک گروه نیستیم و شبیه یک خانواده شده‌ایم. هر روز یکدیگر را می‌بینیم. با هم فوتبال بازی می‌کنیم، تفریح می‌کنیم و فعالیت‌های گروه را هم پیش می‌بریم. این گروه باعث شده است این همه سال دوستی و رفاقت ما حفظ شود.»

ایستگاه صلواتی شروع کردیم. با هماهنگی همسایه‌ها، چند میز در خانه‌ها می‌گذاشتیم، چند پارچ شربت و چند لیوان پلاستیکی. کل امکاناتمان همین بود.»

فرش کردن کوچه برای جشن بزرگ

حالا دیگر فعالیتشان به خیمه زدن در محرم و اعیاد خلاصه نمی‌شود؛ کارهایشان گسترده‌تر شده و رنگ و بوی تازه‌ای گرفته است. علی غلامی از مراسم عید غدیر می‌گوید: جشنی که به گفته او، این چند سال با تلاش همین گروه جوان، باشکوه‌تر و پررونق‌تر از گذشته برگزار می‌شود؛ «قدیم‌تر فقط داخل مسجد جشن گرفته می‌شد. ما بچه‌ها پیشنهاد دادیم کل کوچه فرش شود.» بعد اضافه می‌کند که چند روز پیش از مراسم، دور هم در مسجد می‌نشینند و برنامه‌ها را می‌چینند؛ «از مساجد و خانه‌ها فرش می‌گیریم و خلاصه کوچه را فرش می‌کنیم. کل محله را برای برگزاری جشن همراه می‌کنیم.» علی جعفری، دیگر عضو فعال گروه، اما به بخش دیگری از فعالیت‌هایشان اشاره می‌کند؛ چیزی که به نظر خودش ستون اصلی انسجام این جمع است؛ «علاوه بر این کارهای پراکنده، ما هیئت هفتگی هم داریم. همین تعهد هر هفته باعث شده است الان گروه کنار هم بماند و مداومت داشته باشیم.» او می‌گوید در



نوجوانان و جوانان محله آقامصطفی خمینی در کنار استادان قرآنی گردهم آمدند

شور و نور یک دوره‌می

عیدگاه

داشتند و همخوانی آیاتی از سوره اسراء را اجرا کردند و قرار است اجرای دیگری با موضوع امام رضا^(ع) نیز داشته باشیم. حجت الاسلام والمسلمین سیدرسول رضوی، از مهمانان برنامه و ساکن محله، به ضرورت اشاعه سبک زندگی قرآنی اشاره می‌کند و معتقد است برای جاری شدن مفاهیم قرآن در زندگی روزمره، باید از زیبایی‌های آن مانند صوت، لحن، حفظ، تواشیح و تفسیر غافل نشد؛ عناصری که به گفته او، همگی در این مراسم کنار هم قرار گرفته‌اند. در همین زمینه، حجت الاسلام امیرحسین دولت‌نیا نیز فضای جلسه را «فوق العاده معنوی» توصیف می‌کند و می‌گوید: تلاوت‌های ارزشمندی در این برنامه شنیده شد و حضور استادان برجسته، به مراسم شور و غنای ویژه‌ای بخشید.

تجربه‌ای متفاوت برای نوجوانان محله

امیرعلی گلزار، نوجوان ساکن محله آقامصطفی خمینی، سه سال پیش آموزش روخوانی و روان خوانی قرآن را آغاز کرد و یک سال بعد از آن وارد دوره‌های حفظ شده است. او تاکنون موفق به حفظ سیزده جزء قرآن شده است و حضور در این محفل را تجربه‌ای خاص می‌داند. امیرعلی می‌گوید: اینکه در حضور استادان بین المللی، چند آیه را تلاوت کردم، توفیق بزرگی بود. او دیگر نوجوانان محله پیش از شروع مراسم، مسئولیت نظافت مسجد و چیدمان رحل‌های قرآن را بر عهده داشتند. امیرعلی معتقد است پیش از برگزاری این جلسات، چنین محفل قرآنی منسجم و سطح بالایی در محله وجود نداشت و حالا مسجد دوباره به پاتوق قرآنی نوجوانان تبدیل شده است.

استقبال از جلسه «قاری دیده»
پارسا نوکندی، نوجوان قاری، عضو گروه تواشیح نورالرضا^(ع) و از اعضای محفل قرآنی محبان امام رضا^(ع)، درباره سابقه این جلسه می‌گوید: این جلسه از سال ۱۳۹۱ توسط استاد کاظم پورکوبیر تأسیس شد؛ خوشبختانه بیش از یک ماه است که این جلسه به محله ما آمده و باعث رونق بیشتر قرآن خوانی و حفظ آن شده است. او با اشاره به سطح بالای این محفل توضیح می‌دهد که این جلسه بارها میزبان قاریان بین المللی بوده و به اصطلاح «قاری دیده» است. پارسا می‌گوید: امشب هم از استاد محمد جواد پناهی دعوت کردیم.

این نوجوان حاضر در برنامه درباره گروه تواشیح نورالرضا^(ع) که عضو آن است، می‌گوید: در این مراسم، هشت نفر از اعضای گروه حضور

عنائی ادو شنبه شب هفته گذشته، مسجد فاطمه الزهرا^(س) محله آقامصطفی خمینی، میزبان مراسم «شبی باقرآن» بود. برنامه‌ای که به همت محفل انس باقرآن محبان امام رضا^(ع)، به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و در محکومیت هتک حرمت به ساحت مقدس قرآن کریم در جریان اغتشاشات دی ماه برگزار شد. این مراسم در آستانه آغاز ماه مبارک رمضان و با حضور استادان نام‌آشنای حفظ و قرائت قرآن، در کنار بیش از ۱۵۰ مهمان برپا شد که عمدتاً از نوجوانان و جوانان محله بودند و حال و هوای معنوی مضاعفی به مسجد دادند.

بهانه‌ای برای دوره‌م نشینی قرآنی

نزدیک اذان مغرب، رفت و آمد نوجوانان در حیاط مسجد فاطمه الزهرا^(س) محله آقامصطفی خمینی بیشتر می‌شود؛ زیرا می‌خواهند در برگزاری برنامه، شبی باقرآن، مشارکت داشته باشند. در ابتدای برنامه فرصتی پیش می‌آید و با مسئول جلسه قرآن محبان امام رضا^(ع)، درباره شکل‌گیری این برنامه گفت و گومی کنیم. کاظم پورکوبیر توضیح می‌دهد: هم‌زمانی سالگرد انقلاب اسلامی با اتفاقات تلخی که اخیراً با هتک حرمت قرآن کریم رخ داد، باعث شد تصمیم بگیریم یک دوره‌می قرآنی برگزار کنیم. او ادامه می‌دهد: همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، در این مراسم، قاری بین المللی، محمد جواد پناهی و استاد حوزه و دانشگاه، محمدصادق علمی، به عنوان مهمانان ویژه حضور دارند و برنامه شامل قرائت قاریان، اجرای گروه تواشیح نورالرضا^(ع) و سخنرانی اساتید است.



کلاس‌های رایگان گفت‌وگوی آزاد زبان انگلیسی در محله نیزه همچنان پر استقبال است

گفت‌و شنود محلی به زبانی جهانی



عیدگاه

خاوری می‌گوید: حضور در همین کلاس‌ها باعث شده مهارت مکالمه ام تقویت شود و حالا تلاش می‌کنم این تجربه را در اختیار دیگران بگذارم.

او توضیح می‌دهد: کلاس‌ها هر جمعه صبح ساعت ۱۰ به صورت کامل رایگان برگزار می‌شود. خیلی از اهالی گلشهر و محله‌های اطراف، با شرکت در این جلسات توانستند ضعف‌های مکالمه‌شان را برطرف کنند و حتی در مسیر مهاجرت، ارتباط مؤثری برقرار کنند.

اعتماد به نفس برای گفت‌وگو

خاوری یکی از دستاوردهای مهم این کلاس‌ها را تقویت اعتماد به نفس شرکت‌کنندگان می‌داند. او می‌گوید: بسیاری از افراد در ابتدا از صحبت به زبان انگلیسی واهمه دارند، اما فضای دوستانه کلاس باعث می‌شود به تدریج ترسشان بریزد. همچنین برخی شرکت‌کننده‌ها از سطح دانش دیگران استفاده می‌کنند و با شنیدن واژه‌ها و ساختارهای جدید، دایره لغاتشان گسترش پیدا می‌کند.

خدیدجه قائمی، یکی از شرکت‌کنندگان این کلاس، تجربه چندساله حضورش در این کلاس‌ها را بیان می‌کند. او می‌گوید: از سال ۱۳۹۹ در این جلسات شرکت می‌کنم ولی در ابتدا حضورم منظم نبود. او ادامه می‌دهد: اوایل، صحبت به انگلیسی جلو جمع برایم خیلی سخت بود و خجالت می‌کشیدم، اما وقتی دیدم مکالمه‌ام بهتر شده،

مرضیه میرزاپور ساعت ۱۰ صبح روز جمعه، سالن طبقه سوم خانه هنر مهاجران در محله نیزه، حال و هوای متفاوتی دارد. صندلی‌ها دورتادور کنار دیوار چیده شده‌اند و زبان‌آموزها یکی یکی وارد می‌شوند؛ بعضی با دفترچه یادداشت، بعضی فقط با اشتیاق برای حرف زدن.

اینجا کلاس گفت‌وگوی آزاد زبان انگلیسی است؛ دوره‌ای رایگان که با حضور حدود چهارده نفر از زبان‌آموزان گلشهری و بدون محدودیت سنی، تلاش می‌کند زبان‌را از چارچوب کلاس‌های رسمی بیرون بیاورد و به دل‌گفت‌وگوهای واقعی ببرد.

کلاسی بدون امتحان و نمره

شرکت‌کننده‌ها روی هم نشسته‌اند و بحث‌هایک سؤال ساده شروع می‌شود. مدیر جلسه از جمع می‌خواهد درباره تجربه‌های روزمره‌شان صحبت کنند. یکی از زبان‌آموزها جمله‌ای را به زبان انگلیسی می‌گوید و همین جمله کافی است تا فضای کلاس گرم شود. اشتباه‌ها اصلاح می‌شود، اما نه با تذکر خشک، بلکه در دل گفت‌وگو. سعید خاوری، مدیر جلسات گفت‌وگوی انگلیسی، درباره شکل‌گیری این کلاس‌ها توضیح می‌دهد که ایده گفت‌وگوی آزاد زبان انگلیسی نخستین باره سال پیش در گلشهر و توسط رحمان نظری شکل گرفت. حالا او حدود دو سال است که مدیریت این دوره‌ها را بر عهده دارد؛ دوره‌هایی که خودش هم روزی یکی از شرکت‌کنندگان بوده است.

تصمیم‌گرفتم منظم شرکت کنم. او کیفیت این کلاس‌ها را حتی بالاتر از برخی دوره‌های رسمی مکالمه می‌داند و می‌گوید: مدیر جلسه تلاش می‌کند همه افراد را وارد گفت‌وگو کند؛ موضوعی که باعث می‌شود هیچ‌کس منفعّل نشاند.

مانعی برای فرار بودن زبان

صمیم حمیدی بیست و نه ساله که حدود ۹۰ سال است زبان انگلیسی می‌آموزد، مهم‌ترین مشکل زبان‌آموزان را استفاده نکردن از زبان در زندگی روزمره می‌داند. او می‌گوید: وقتی از زبان دوم استفاده نشود، آموخته‌ها به مرور فراموش می‌شود. این کلاس‌ها دقیقاً همان فضایی است که مانع از فراموشی می‌شود و کمک می‌کند آموخته‌ها را به کار بگیریم.

جلسه که تمام می‌شود، گفت‌وگوها هنوز ادامه دارد. انگار کلاس تمام شده است، اما تمرین زبان نه.

این کلاس‌ها محدودیت سنی ندارد و هر هفته بیش از چهار نفر در آن شرکت می‌کنند. کلاس عمومی است و هرکسی که علاقه مند باشد، می‌تواند وارد جمع شود.

چهنو، مصلی، کارمندان اول، کارمندان دوم، شهید آقامصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، شهید معقول، کشاورز، پورسینا، اروند، انصار، شهید باهنر، شهید بسکابادی، شهید شیرودی، شهید رستمی، کوی ۲۲ بهمن، کنه‌بیست، شهیدرجایی

محلات منطقه‌ها

مهدی‌آباد، رضائیه، سجادیه، حسین‌آباد، مهرآباد، امیرالمؤمنین^(ع)، نیزه، شهید آوینی، ثامن، کوی سلمان، جلالیه

سالگرد شهدای حرم مطهر در حسینیه فاطمه الزهرا^(س) برگزار شد

تکریم شهدای راه ولایت



بود و این داغ هنوز برای ما زنده است. با حضور در این مراسم، این پیام‌رامی دهیم که هیچ وقت شهدا فراموش نمی‌کنیم و هر سال اقدامشان را تکریم می‌کنیم.

حمید دارابی، ساکن محله امیرآباد، از دیگر شرکت‌کنندگان این مراسم بود که او هم درباره هدفش از شرکت در این مراسم این‌طور گفت: خبر شهدات این دوروحانی در حرم، بسیار تلخ

مردمی روحانیون است. افرادی که در زندگی، تمام وقت خود را در راه خدمت صرف می‌کنند و حتی حاضرند جانشان را در این راه فدا کنند. شهید اصلانی و دارابی هم روحانیونی از بطن جامعه و از حاشیه شهر بودند که شهید راه ولایت شدند. ما باید قدرشناس این روحانی‌ها باشیم و هیچ وقت این جان‌فشانی را فراموش نکنیم. مریم کرمانی، یکی از اهالی محله موعود که همراه دخترش در این مراسم شرکت کرده است، دلیل حضورش را این‌طور توضیح می‌دهد: در جامعه امروز ما باید بیشتر از هر زمان دیگری در این مراسم‌ها حضور داشته باشیم و به فرزندان و نسل آینده بیاوریم که باید شهدا را بشناسند، از آن‌ها درس بگیرند و پیرو راهشان باشند.

سحر نیکو عقیده سوم ماه رمضان ۱۴۰۱ بود که خبر تلخ شهادت دوروحانی در حرم مطهر، فضای مجازی را پر کرد. خبر حاکی از حمله یکی از نیروهای تکفیری به حجج الاسلام محمد اصلانی، محمد صادق دارابی و محسن پاکدامن بود. در پی این حادثه، دوتن از این روحانیون به شهادت رسیدند. جمعه شب گذشته، چهارمین سالگرد این دو شهید در حسینیه فاطمه الزهرا^(س) واقع در حر ۱، ۳ برگزار شد؛ مراسمی که اهالی منطقه در آن حضور داشتند.

حجت الاسلام والمسلمین محسن پاکدامن، تنها بازمانده این حادثه تروریستی، در گفت‌وگو با شهرآرامحله درباره نقش روحانیت در جامعه گفت: مراسم امشب، تکریم اقدامات جهادی و



محله به روایت شما

○ هفته گذشته، بازارچه دانش‌آموزی اقسام و صنایع تولیدی دانش‌آموزان در حیاط مدرسه دخترانه نوید برگزار شد. هدف از این برنامه، آشنایی دانش‌آموزان با فروش و کسب درآمد بود و در پایان برنامه، مدیر و مسئولان مدرسه، اقسام باقی‌مانده را از دانش‌آموزان خریدند.

تصویر و متن از رضا حسینی، محله مهرآباد



○ تیم فوتبال «آله‌ها» اعزامی از خانه برکت محله بازه شیخ (پورسینا) در پنجمین مسابقات جام شهدای ۱۵ خرداد در مرحله کشوری و استعدادیابی فوتبال خیابانی ۲۰۲۰ محلات کشور به قهرمانی رسید. همچنین چهار نفر از اعضای تیم به عنوان استعداد فوتبال به تیم ملی معرفی شدند.

تصویر و متن از حبیب‌الله ابراهیمی، محله پورسینا



○ مراسم جشن تکلیف دبستان‌های دخترانه گلشهر با عنوان «بیا ستاره شویم» و با حضور چهارصد دانش‌آموز در تالار شهدای وحدت محله جلالیه برگزار شد.

تصویر و متن از زهرا محمدی‌نیک، محله ثامن